

دادگاه عالی عدالت انتاریو

(دادگاه دعای خرد تورنتو)

مابین:

شاکی: سهیلا امین ترابی شناخته شده به نام شادی امین

متهم: آرشام پارسی شناخته شده به نام علیرضا ابریشمی

وکیل شاکی: آقای W.C. Walness
وکیل متهم: آقای [بهورز] آموزگار و آقای M. Evans

دلایل رای دادگاه

(1) این پرونده در مورد افتراهای جدی، مداوم و بی اساس نسبت به شخص شاکی در فضای اینترنت می باشد. من باید تصمیم بگیرم که آیا برخی یا تمام مقالات و پیام ها به شاکی اشاره دارد یا نه، آیا افترا هستند یا نه، و سپس برای اکثر آن ها [تصمیم بگیرم]، آیا توسط متهم انتشار پیدا کرده است یا نه. متهم در دفاع از خود در دادگاه تنها از دو قانون رایج در دفاعیات استفاده کرد، یکی اظهار نظر منصفانه (fair comment) و دیگری برقراری ارتباط مسئولانه درباره مسئله ای با منفعت عمومی. مابقی ارائه و ارجاع داده شد اما در استدلال نهایی ذکر نشده است.

مقدمه

(2) شاکی یک پناهنده ایرانی است و به نام شادی امین شناخته می شود. من در این دلایل با این عنوان به وی ارجاع خواهم کرد. متهم یک پناهنده ایرانی است و به نام آرشام پارسی شناخته می شود. من در این دلایل با این عنوان به وی ارجاع خواهم داد. هر دو اعضای جامعه ال جی بی تی [LGBT] بوده و هر دو با دیگر پناهنده های ال جی بی تی خصوصا از ایران که در آن اشد مجازات برای افراد ال جی بی تی اعدام می باشد، به صورت فعال همکاری می کنند.

(3) بر اساس ادعای شاکی هشت مقاله و پیام هستند که حاوی افترا به او [شادی امین] هستند. پنج مورد آن ها در وبسایت justice4LGBT[.]com منتشر شده اند. متهم [آرشام پارسی] هر گونه دست داشتن در این وبسایت و مسئولیت در نوشتن و انتشار آن ها را انکار می کند. یکی از آن ها پیام های فیسبوکی از سوی آقای پارسی به خانم همیلی، دوست خانم امین است. یکی دیگر "نامه پناهجویی" است که روی وبسایت خودنویس در زمانی که آقای پارسی سردبیر مهمان این وبسایت بوده، منتشر شده است. این مقاله همچنین یکی از پنج مورد منتشر شده در وبسایت justice4LGBT[.]com نیز هست. یکی دیگر از موارد، ایمیل فرستاده شده به سازمان عفو بین الملل از یک آدرس مربوط به justice4LGBT[.]com می باشد. همگی به استثنای ایمیل فرستاده شده به سازمان عفو بین الملل به زبان فارسی است. ترجمه انگلیسی مطالب و ایمیل فرستاده شده به سازمان عفو بین الملل به این رای پیوست شده است. من از مساعدت هر دو وکیل برای فراهم آوردن نسخه الکترونیک آن ها قدردانی می کنم.

(4) در طی مراحل دادرسی چالش هایی در متون انگلیسی وجود داشت. هر دوی ترجمه ها توسط مترجم های رسمی انجام شده بود اما هیچ کدام از طرفین متخصص فارسی برای شهادت دعوت نکردند. در اکثر موارد تفاوت ها چشمگیر نبوده، به جز چند واژه خاص، که من در این دلایل به آن ها مشخصا اشاره خواهم کرد.

(5) شاکی ادعای خسارت عمومی و خسارت شده به میزان ۲۵۰۰۰ دلار را دارد.

دعاوی شاکی

- 6) خانم امین مقیم کشور آلمان است و به کشورهای زیادی از قبیل کانادا سفر می‌کند. او ایران را در سال ۱۹۸۴ بخاطر فعالیت‌های سیاسی خود ترک کرد. در نهایت وی به آلمان نقل مکان کرد و موفق به دریافت پناهندگی از آنجا شد.
- 7) در حال حاضر وی به عنوان مدیر سازمانی به نام شش‌رنگ که یک شبکه لژیون‌ها و ترنسجندر‌ها می‌باشد مشغول به کار است. او همچنین یکی از هماهنگ‌کنندگان سازمان عدالت برای ایران که یک سازمان حقوق بشری است، می‌باشد.
- 8) خانم امین نویسنده است و بارها در تلویزیون برای پرداختن به مسائل جنسیتی و حقوق بشری دعوت شده است.
- 9) در روز دوم محاکمه، خانم امین شهادت دادند که وبسایت justice4LGBT.com در همان روز هنوز فعال بوده و تمامی پست‌ها در رابطه با موضوع پرونده هنوز در وبسایت قابل دسترسی است.
- 10) خانم امین شهادت دادند که نخستین بار که افرادی شروع به نوشتن مطالب افتراآمیز بر علیه او کردند، پس از انتشار یک مقاله در یک مجله اینترنتی به نام خودنویس در روزی بوده است که آقای پارسی به عنوان سردبیر افتخاری در آن حضور داشته است، یعنی در تاریخ ۱۷ می ۲۰۱۵. سایرین این مقاله را برای شادی امین فرستادند و گفتند که این مقاله درباره اوست، هر چند که وی در آن مطالب به نام ذکر نشده است.
- 11) خانم امین در مدارک ادعا می‌کند که justice4LGBT.com تنها درباره او و اتفاقات درون ایران است و شامل تصاویر مختلف از او و همکارانش و مقالاتی درباره اوست.
- 12) وکیل خانم امین، تکتک مقالات را در برابر خانم امین گذاشت. وی با سندی با عنوان "نامه دریافتی: پژوهشگر BBC «سو سابقه» دارد ولی دیپلم ندارد" آغاز کرد. تاریخ مندرج در این مقاله ۲۱ نوامبر ۲۰۱۵ است و در وبسایت justice4LGBT.com منتشر شده است. این مطلب حاوی عکسی از خانم امین است. من یک خط از این مقاله را به عنوان نمونه ذکر می‌کنم که می‌گوید: "اما چطور شده که پای سهیلا خانم، بار دیگر به بی بی سی باز شده؟ آن هم بعد از افتضاحات اخیر و پرونده های قطور مالی، پول شویی و موارد مستند خشونت های کلامی، رفتاری و جنسی." نویسنده متن ناشناس است.
- 13) شاکای مدعی است که مقاله تماماً حاوی افترا نسبت به اوست. خانم امین شهادت می‌دهد که این مقاله به شدت برای وی دردآور بوده و هیچ کدام از ادعاهای مندرج در مقاله صحت ندارد.
- 14) مقاله بعدی با عنوان "گزارش دریافتی: ویکی پدیا را هم سانسور می‌کنید؟" به تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۵ است و روی وبسایت justice4LGBT.com منتشر شده است. این مقاله به خانم امین ارجاع می‌دهد و حاوی اطلاعات نادرست می‌باشد از قبیل اینکه ادعا می‌کند که خانم امین در سن ۱۴ سالگی ازدواج کرده است، اما یک جمله در آن هست که [شاکای] ادعا می‌کند به او افترا می‌زند: "چه فعالیت های مالی و غیر مالی را با این نام قایم کرده اید که نمی‌خواهید رو شود؟" همچنین شاکای ادعا می‌کند که مقاله اینطور القا می‌کند که وی هویت خود را مخفی می‌کند که صحت ندارد و درصدد تخریب وی بر می‌آید. نویسنده این مقاله ناشناس است.
- 15) مقاله بعدی با عنوان "نامه دریافتی: شما هم موفوب و ضد مرد هستید خانم امین" به تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۱۵ می‌باشد و در وبسایت justice4LGBT.com منتشر شده است. این مطلب شامل عکسی از خانم امین است. تیتر مقاله به تنهایی می‌تواند به خانم امین افتراآمیز باشد. شاکای مدعی است که تمام مقاله نسبت به او افتراآمیز است. من مجدداً تنها یک خط از آن را به عنوان نمونه ذکر می‌کنم: "خانم امین تایید و رد خودتان تا کجا؟ ایجاد فضای ناامنی و تفرقه‌افکنی بین بچه ها تا کجا؟ ارعاب و تهدید تا کجا؟ کسی که مدام جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برد و به تمام کسانی که شما را نقد می‌کنند لقب دست پرورده‌های جمهوری اسلامی را می‌دهد." نویسنده متن ناشناس است.

16) خانم امین شهادت داد که وی معتقد است نویسنده این مقاله با مطرح کردن اینکه وی از مردان و دوجنسگرایان متنفر است، سعی در تخریب رابطه وی با افرادی دارد. این مقاله همچنین این ادعا را که خانم امین با رسوایی مالی درگیر است دوباره مطرح می‌کند. طبق شهادت خانم امین هیچ کدام از این ادعاها صحت ندارد.

17) مقاله بعدی با تیتر "یک پناهجوی همجنس‌گرا: حق و حقوق ما، بازچیزی دست برخی «فعالان حقوق بشر» شده است" به تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۱۵ است و هم در مجله خودنویس در روزی که آقای پارسا سردبیر مهمان بوده و بعداً در وبسایت justice4LGBT[.]com منتشر شده است. این مقاله از خانم امین نام نمی‌برد. ظاهر مقاله چنین است که توسط یکی از پناهجویان در کشور ترکیه نوشته شده است. خانم امین معتقد است که آقای پارسا مسئول انتشار این مقاله در خودنویس و متعاقباً در وبسایت justice4LGBT[.]com می‌باشد.

18) خانم امین شهادت داد که هر کسی که جامعه ال‌جی‌بی‌تی ایرانی و سازمان‌ها و فعالان آن‌ها را بشناسد، تصویری از تمام فعالان و سازمان‌های برگزارکننده کارگاه‌ها و کلاس‌ها در ترکیه که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده است. خانم امین شهادت داد که سازمان شش‌رنگ در برگزاری کارگاه‌ها و فعالیت‌ها در کشور ترکیه فعال می‌باشد.

19) این مقاله به تصمیم فرد نویسنده به ملحق شدن به یک کلاس اشاره می‌کند. این کلاس، به نقل از مقاله، توسط یک سازمان و به مدیریت کسی برگزار می‌شود که به طور ثابت در تلویزیون‌های فارسی خارج از ایران به عنوان وکلا و فعالان حقوق بشر حضور پیدا می‌کنند. خانم امین شهادت داد که این مقاله به او اشاره می‌کند چرا که او مکرراً در تلویزیون‌های فارسی حضور دارد. خانم امین همچنین به این ادعا در مقاله ارجاع می‌دهد که یک جلسه مشاوره که قرار بوده خصوصی باشد، فیلمبرداری شده است. خانم امین شهادت داد که وی از افراد شرکت‌کننده می‌پرسد که آیا می‌خواهند از آنان فیلم گرفته شود یا نه، اما تنها با کسب رضایت آن‌ها این کار را می‌کند. بعدتر به این پرسش باز خواهم گشت که آیا مقاله درباره خانم امین است یا خیر، و اگر هست آیا افتراآمیز است یا خیر.

20) مقاله بعدی ابتدا در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۱۵ به زبان فارسی در وبسایت justice4LGBT[.]com منتشر شده است. سپس در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۵ به زبان انگلیسی دوباره منتشر شد. عنوان این مقاله "گزارش دریافتی: آن تختخواب با آن روکش بنفش و دیوار رنگی" می‌باشد.

21) این مقاله از خانم امین نام نمی‌برد. این همان مقاله‌ای است که در آن وکلای طرفین در ترجمه دو کلمه فارسی به انگلیسی اختلاف نظر داشتند. کلمه اول "تجاوز" است. شاکای مدعی است معنای این کلمه به انگلیسی "rape" (تجاوز) است. متهم مدعی است ترجمه آن به انگلیسی معادل "violation" (خشونت) می‌باشد. خانم همیلی که از طرف خانم امین به عنوان شاهد حاضر شد، شهادت داد که این کلمه معنای تجاوز می‌دهد و من معتقدم ترجمه صحیح برای این لغت در متن قید شده است. واژه دیگر "او" است که در مقاله‌ی ترجمه‌شده به ضمیر "she" (او مونث) در انگلیسی ترجمه شده است. متهم بحث کرد که این ضمیر در فارسی خنثی و بدون جنسیت است، اما من بر اساس شهادت متقاعد شدم که با توجه به کلیت مقاله، ضمیر صحیح ضمیر مونث "she" است.

22) نویسنده مقاله باز هم ناشناس است و ادعا می‌کند که یک نفر با وی رابطه نزدیک داشته و این رابطه به تجاوز ختم شده است. خانم امین با مدرک اذعان می‌دارد که مقاله به روشنی به وی اشاره می‌کند.

23) مقاله همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که "او کم‌دین خوبی نیست". خانم امین شهادت داد که یکی از سرگرمی‌های وی [اجرای] استندآپ کمدی است. مقاله درباره یک فرد لزبین است که از مسئولان یک سازمان می‌باشد. خانم امین می‌گوید این موارد به او اشاره می‌کند. من شواهد خانم امین را پذیرفته و با دلایلی که بعدتر شرح می‌دهم می‌پذیرم که این مقاله به او اشاره می‌کند.

24) مدرک بعدی که بر اساس ادعای شاکای افتراآمیز است یک ایمیل به دو نفر در سازمان عفو بین‌الملل است و گفته می‌شود از طرف دکتر میرعماد تابنده در عدالت برای دگرباشان (justice4LGBT) می‌باشد و در تاریخ ۱۱ آگوست ۲۰۱۵ ارسال شده است. این ایمیل از تضاد منافع یکی از کارمندان عفو بین‌الملل به دلیل روابط نزدیک آن فرد با شاکای شکایت دارد. این ایمیل در وبسایت justice4LGBT[.]com نیز منتشر شده است. خانم امین شهادت داد که برای اینکه بفهمد آیا نویسنده ظاهری این ایمیل اصولاً وجود خارجی دارد یا نه تلاش‌های متعددی صورت داده و این تلاش‌ها

بی‌نتیجه بوده است.

25) سازمان عفو بین‌الملل یک نسخه از ایمیل را برای شاکی فرستاده است. در این ایمیل ادعا شده است که "ما گزارش‌ها و نامه‌های دریافتی بسیاری را از اعضای جامعه ایرانی ال‌جی‌بی‌تی منتشر کرده‌ایم مبنی بر اعمال خلاف خانم‌ها امین‌ترابی و صدر شامل سوء استفاده‌ها، تجاوز، زورگویی، پولشویی و غیره". این تکراری بر اتهامات پیشین است.

26) خانم امین درباره تأثیر این مقالات بر خود شهادت داد. برای ایشان جوابگویی به آن آسان نبود چرا که ایشان توسط یک سایت ناشناس متجاوز خوانده شده بود. وی باید به دیگران درباره زندگی خود توضیحات بسیاری می‌داد. این مقالات اعتمادی که وی در جامعه نسبت به خود کسب کرده بود را تحت تأثیر قرار داده است.

27) آخرین مطلب منتشر شده که ادعا می‌شود افترامیز است، یک مجموعه پیام‌های فیسبوکی بین آقای پارسا و خانم همیلی است. خانم همیلی از طرف خانم امین در دادگاه شهادت داد. آقای پارسا ادعان می‌کند که نویسنده پیام‌های ارسالی از سوی او خود اوست. سوال اینجاست که آیا این پیام‌ها درباره خانم امین است و آیا بر ضد ایشان تخریبی است یا خیر. حتی اگر که پاسخ من به هر دو سوال به نفع شاکی باشد؛ این مطلب تنها به خانم همیلی فرستاده شده است.

28) خانم همیلی زندانی سیاسی در ایران بوده است. ایشان در حال حاضر فعال در حوزه حقوق بشر و حقوق پناهنجویان است. خانم همیلی شهادت داد که ایشان برای اولین بار در ژوئن ۲۰۱۵ یا در حدود این تاریخ از وبسایت justice4LGBT.com اطلاع پیدا کرده و مقاله "آن تختخواب با آن روکش بنفش و دیوار رنگی" را خواند.

29) خانم همیلی بیان می‌کند که در ابتدا متوجه نشده است که این مقاله درباره خانم امین است. اما بعدتر ایشان متوجه شدند که این مقاله درباره خانم امین است و بنابراین خانم همیلی خود مقاله‌ای به زبان فارسی نوشتند که در وبسایت یک مجله فارسی [شهروند] در تورنتو منتشر شد. این مقاله حاوی مطالبی در راستای دفاع از خانم امین بود.

30) بعد از این بود که ایشان پیام‌هایی را از آقای پارسا در فیسبوک به زبان فارسی دریافت کردند. آقای پارسا [در پیام‌ها] گفت که مقاله خانم همیلی را خوانده است. خانم همیلی جواب داده و در بخشی از پیام خود گفت: "به‌هرحال، مقاله من در دفاع از شان و منزلت خانم امین در برابر افتراهای بی‌نام‌وشان بود و قطعاً شما باید در برابر تخریب فعالان بایستید."

31) آقای پارسا در بخشی از پاسخ خود می‌گوید که "نامه‌های مربوط به تجاوز صحت دارد؛ به طور مشابه ماجراهای مربوط به تهدید مردم برای لایک کردن پست‌های ایشان نیز صحت دارد، همانطور که ماجراهای مختلفی درباره پناهنجویان صحت دارد." گفتگو ادامه یافته و در ساعت ۱:۵۱ بعد از ظهر آقای پارسا در قسمتی از پاسخش نوشته است: "من از نامه تجاوز دفاع می‌کنم و آن را در فیسبوک خود منتشر کرده‌ام و همچنین در تماس با آن فرد [مورد تجاوز قرار گرفته] هستم و وی را به تراپیست معرفی کرده‌ام. زمانی که سردبیر خودنویس بوم نامه دیگری را هم چاپ کردم و بارها بعد از آن هم به صورت عمومی اعلام کرده‌ام."

32) شاکی مدعی است که این نقل قول‌های ذکر شده در بالا، نسبت به او افترامیز بوده و از آن این اتهام بر می‌آید که خانم امین مرتکب عمل تجاوز شده و [متهم مدعی می‌شود] اتهامات مطرح‌شده در سایر مطالب در وبسایت justice4LGBT.com معتبر است و صحت دارد.

33) در پایان سؤال و جواب از خانم همیلی، وکیل از ایشان سوال کرد که آیا فکر می‌کند که وبسایت justice4LGBT.com توسط آقای پارسا اداره می‌شود یا خیر. ایشان جواب داد که به این مسئله در کل فکر نکرده بود اما بعد از دریافت این پیام‌ها به این نتیجه رسید که "کس دیگری نمی‌توانست باشد. حتی اگر افراد دیگری در این کار دست داشتند، مشخص بود که آقای پارسا با اعمال [تخریبی] این افراد موافق است."

34) شاکی یک شاهد کارشناس به نام مارک جفتوویچ (Mark Jeftovic) را احضار کرد. صلاحیت ایشان به عنوان کارشناس و حتی نتیجه‌گیری ایشان درباره وبسایت justice4LGBT.com از سوی متهم به چالش کشیده نشد و

پذیرفته شد چنانکه کارشناس متهم نیز به نتیجه مشابه با نتیجه‌گیری ایشان رسید.

35) بر اساس گزارش تخصصی آقای جفتوویچ که به دادگاه ارائه شد، نتیجه‌گیری آقای جفتوویچ این است که وبسایت justice4LGBT[.]com با استفاده از یک قالب کپی‌شده از وبسایت irqr[.]net [سازمان دگرباشان ایرانی] ساخته شده است. در اینکه این وبسایت به مالکیت آقای پارسی است و توسط او اداره می‌شود اعتراضی ابراز نشد.

36) به عقیده آقای جفتوویچ، برای دستیابی به کپی وبسایت irqr[.]net که بشود از آن به عنوان قالب استفاده کرد، به دسترسی در سطح ادینی به حساب هاستینگ و حساب ووردپرس مربوط به وبسایت irqr[.]net نیاز دارد. این حساب‌ها با رمز عبور محافظت می‌شوند.

37) به علاوه، به عقیده آقای جفتوویچ، بسیار محتمل است که وبسایت justice4LGBT[.]com به عنوان یک حساب زیرشاخه یا دامنه جدید تحت وبسایت irqr[.]net تاسیس شده باشد و بنابراین فردی که وبسایت justice4LGBT[.]com را راه‌اندازی کرده به هر دو حساب کاربری هاستینگ و حساب ووردپرس نیاز دارد.

38) آقای جفتوویچ بیان می‌کند که وبسایت justice4LGBT[.]com در مدت زمان کوتاهی بعد از ایجاد، به آدرس آی‌پی (IP) دیگری منتقل شده است.

39) آخرین شاهد خانم نیاز سلیمی بود. در قابل پذیرش بودن مدارک ایشان موانعی وجود داشت. من موافقت کردم که سخنان شاهد را بشنوم و تصمیم بگیرم که آیا باید در تصمیم‌گیری در این پرونده، مدارک ایشان را لحاظ کنم یا خیر.

40) آقای وانلس استدلال کرد که من باید مدرک خانم سلیمی را به این دلیل که مدرکی از واقعیت مشابه است بپذیرم. خانم سلیمی یکی از اعضای سازمان گی و لزبین‌های ایرانی بوده است که به سازمان دگرباشان جنسی ایران (Iranian Queer Organization) تغییر نام داد. اشتغال خانم سلیمی در این سازمان در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بوده و درست در آن زمان آقای پارسی نیز عضو این سازمان بوده است.

41) خانم سلیمی شهادت داد که در ۱۶ جولای ۲۰۰۸ تصمیمی مبنی بر اخراج آقای پارسی از سازمان اتخاذ گردید. بخشی از دلیل آن به خاطر استفاده از هویت‌های جعلی، هک کردن، متون ساختگی، ساختن آدرس ایمیل‌های جعلی و علنی کردن و انتشار آدرس ایمیل‌های شخصی گردانندگان سازمان بوده است. دلایل دیگری نیز در اطلاعیه رسمی این سازمان که در tab 11 of Exhibit 2 [از اسناد دادگاه] آورده شده شرح داده شده است.

42) من این مدارک را با توجه به مدت زمان سپری‌شده از وقایعی که خانم سلیمی بیان می‌کند، قابل استفاده نمی‌دانم و آن را نامرتبب تلقی می‌کنم.

43) آقای وانلس بیانیه نوشته‌شده و امضا شده‌ای از طرف خانم نجمه زرین‌پر را به عنوان بخشی از پرونده ارائه دادند. نجمه پر یک پناهنده ایرانی است که شادی امین را اولین بار در ژوئن سال ۲۰۱۴ ملاقات کرده است. در ژوئن ۲۰۱۵ نجمه پر ناگهان پیامی از آقای پارسی در فیسبوک دریافت کرد که در آن او شماره تلفن خواسته بود. نجمه پر درباره کارگاهی که سازمان شش‌رنگ برگزار کرده بود و نجمه پر هم در آن شرکت کرده بود با آقای پارسی وارد یک مکالمه تلفنی می‌شود. در انتهای مکالمه، آقای پارسی به نجمه پر گفت که یک لینک برای ایشان می‌فرستد که این کار را هم کرد. لینک به وبسایت justice4LGBT[.]com بوده است. نجمه پر به آن نگاه اجمالی انداخته و به آقای پارسی گفت که "از دیدگاه من شادی امین همان کسی است که می‌شناسم".

44) آخرین مدرک شاکی بیانیه امضا شده‌ای از آقای علی نکویی، مقیم کشور هلند است. از ایشان خواسته شده بود تا درباره منشأ وبسایت justice4LGBT[.]com تحقیق کند. ایشان در بیانیه خود این چنین نتیجه‌گیری می‌کند که نام دامنه در ۲۱ می ۲۰۱۵ به ثبت رسیده و آدرس پینگ بک (pingback) آن به وبسایت irqr[.]net برمی‌گردد که نشان می‌دهد که هر دو وبسایت در یک سرور میزبانی شده‌اند. بر اساس این اطلاعات ایشان نتیجه‌گیری می‌کند که هر کسی وبسایت justice4LGBT[.]com را ایجاد کرده وبسایت irqr[.]net را نیز تحت کنترل داشته است.

- 45) آقای پارسی خود تنها شاهی بود که در دادگاه برای دفاع [از خود] حاضر شد، بقیه موارد در قالب استشهادیه ارائه شدند.
- 46) آقای پارسی ایران را در ۲۴ سالگی ترک کرد و نهایتاً در سال ۲۰۰۶ به کانادا آمد. وی از فعالان جامعه ال‌جی‌بی‌تی است و مدیر اجرایی خیریه ثبت‌شده در کانادا تحت عنوان سازمان دگرباشان ایرانی معروف به IRQR می‌باشد.
- 47) IRQR در آگوست ۲۰۰۶ به عنوان یک خیریه ثبت شد. این سازمان هیئت مدیره‌ای متشکل از شش نفر دارد که همگی داوطلب هستند و وبسایت آن [irqr\[.\]net](http://irqr[.]net) است. آقای پارسی خاطراتش را چاپ کرده و جوایزی هم برای کار حقوق بشری خود دریافت کرده است.
- 48) آقای پارسی به طور منظم در رسانه‌های کانادایی و بین‌المللی صحبت کرده است.
- 49) آقای پارسی شهادت دادند که اولین بار در کنفرانسی در مونترآل با خانم امین آشنا شدند و اولین بار ایشان را در مکزیک در کنفرانس انجمن بین‌المللی لزبین‌ها و گی‌ها (ایلگا) ملاقات کردند. وقتی از آقای پارسی سوال شد که نظر شخصی ایشان درباره خانم امین چیست، آقای پارسی گفت که به ایشان احترام می‌گذارد و اینکه تمام فعالان، به‌ویژه آن‌هایی که اهل ایران هستند، با هم همکاری دارند و به یکدیگر ارجح می‌نهند.
- 50) در نوامبر ۲۰۱۴ بی‌بی‌سی مستندی پخش کرد که هم خانم امین و هم آقای پارسی در آن به‌صورت جداگانه مصاحبه شدند. آقای پارسی و خانم امین پس از پخش مستند، مکالمه‌ای [به‌صورت چت] در فیسبوک داشتند. آقای پارسی شهادت داد که درباره این مستند یک سری شکایت به دست تهیه‌کننده رسیده است که وی [علی‌همدانی] متهم به داشتن رابطه جنسی با آقای پارسی شده بود. آقای پارسی شهادت دادند که به ایشان گفته شده که کسانی که درباره مستند شکایت کرده‌اند خانم امین و خانم صدر بوده‌اند.
- 51) آقای پارسی شرح داد که ایشان از سوی صاحب وبسایت خودنویس در روز بین‌المللی مقابله با هموفوبیا به عنوان ویراستار مهمان دعوت شد. [به گفته آقای پارسی] خودنویس یک مجله آنلاین است که در جامعه ال‌جی‌بی‌تی داخل و خارج ایران پرخواننده است. صاحب وبسایت خودنویس [نیک آهنگ کوثر] به آقای پارسی توضیح داد که مسئولیت آقای پارسی این بود که یک سری مقاله بنویسد و از مردم خواهش کند که اطلاعات یا مقالات خود را به خودنویس ارسال کنند.
- 52) در نتیجه، آقای پارسی در فیسبوک خود پستی گذاشت و با دوستان خود تماس گرفت و از مردم خواست که مقالاتشان را بفرستند. وی همچنین سرمقاله‌ای نوشت. آقای پارسی شهادت داد که مسئولیت ایشان خواندن مقالات دریافتی از دارنده [وبسایت خودنویس] بوده و خودش هم مقالاتی را به وی ارسال کرده است. آقای پارسی انکار کرد که هرگونه تصمیم‌گیری در انتشار مقالات بر عهده شخص ایشان بوده است و شهادت داد که مکالمات ایشان با صاحب وبسایت در فیسبوک صورت می‌گرفته است.
- 53) آقای پارسی متنی از صاحب وبسایت به همراه یک کپی از مطلبی که در این دادرسی به عنوان "نامه پناهجو" از آن یاد می‌شود دریافت کرد. این صاحب [وبسایت خودنویس] بود که تصمیم به انتشار گرفت. آقای پارسی معتقد است نامه پناهجو درباره هیچ گروه خاصی نبود بلکه درباره بیش از یک گروه بود.
- 54) آقای پارسی درباره مطلبی شهادت داد که خانم امین در صفحه فیسبوک خود با عنوان "پرهیز از جدال با خوک‌ها" منتشر کرده بود. آقای پارسی قبول دارد که در این مقاله هیچ اشاره‌ای به وی نشده، اما او اعتقاد دارد که این مقاله درباره اوست. وی این مقاله را اهانت‌آمیز و غیرمحترمانه دانسته بود.

55) در نتیجه، آقای پارسی مقاله‌ای با عنوان “داستان چوب و گربه دزده” را منتشر کرد. آقای پارسی بعدها این پست را از وبسایت خود پاک کرد.

56) آقای پارسی شهادت داد که مقاله نوشته‌شده توسط خانم همیلی را در ۲۳ جولای ۲۰۱۵ خوانده است. وی خانم همیلی را از کار بر روی مسائل پناهندگی می‌شناخت. وی می‌خواست بداند که آیا خانم همیلی پیش از نوشتن مقاله تلاش کافی برای اطمینان از صحت و سقم مطالب انجام داده است یا خیر. وی احساس کرد که خانم همیلی از دست او عصبانی است. به همین دلیل وارد چت فیسبوکی با ایشان شد.

57) آقای پارسی سپس درباره مقاله‌ای با عنوان “آن تختخواب با آن روکش بنفش و دیوار رنگی” شهادت داد. وی قبول دارد که این مقاله درباره تجاوز است، اما آن را بیشتر تجاوز روحی می‌داند نه تجاوز جنسی بدون رضایت.

58) درباره ای‌میل به عفو بین‌الملل، آقای پارسی شهادت داد که اولین باری که این سند را دیده است زمانی است که به شکایت‌نامه اولیه الصاق شده بود.

59) آقای پارسی قبول دارد که او مقاله “آن تختخواب با آن روکش بنفش و دیوار رنگی” را در صفحه فیسبوکش منتشر کرده بود و از مردم خواست درباره آن کامنت بدهند. وی انکار کرد که منظورش این بوده که مقاله صحت دارد.

60) وی درباره تلاش‌هایش برای کسب دستور قضایی [Norwich order] شهادت داد. این دستور می‌تواند شرکت‌هایی چون فیسبوک، گوگل و HostGator [شرکت ارائه دهنده خدمات اینترنتی به سایت افترا و فرد متهم] را موظف کند که برای مشخص شدن اینکه چه کسی به سرور آقای پارسی بی‌اجازه ورود کرده اطلاعاتی را تحویل دهند. وی شهادت داد که با HostGator در چند مورد تماس گرفته تا کمک بگیرد و در چند مورد او و نمایندگان او تلاش کردند که جلسه همزمان تمام طرفین دعوی با HostGator برقرار کنند تا درباره اینکه برای دریافت مدارک لازم چه الزاماتی وجود دارد مذاکره کنند اما موفقیتی حاصل نشد.

61) آقای پارسی ادعا کرد که در نتیجه‌ی خواندن گزارش کارشناس شاکی متوجه شد که یک نفر ممکن است پوشه‌ای به نام justice4LGBT [عدالت برای دگرباشان که نام سایت افترا بود] را بدون اجازه وی نصب کرده باشد و نرم‌افزار ووردپرس را هم در آن پوشه نصب کرده باشد. ایشان شهادت داد که تا زمان کشف این موضوع توسط کارشناس، او از این موضوع آگاه نبوده و هیچ دلیلی نداشته که باور کند هیچ ارتباط واقعی بین او، سازمانش و justice4LGBT وجود داشته است.

62) آقای پارسی تایید کرد که دستور قضایی صادر شد اما این دستور تنها در انتاریو نفوذ دارد در حالی که HostGator یک شرکت آمریکایی است. آقای پارسی شهادت داد که تلاش کرده با HostGator تماس بگیرد تا در صورت امکان اطلاعاتی درباره اینکه چه کسی justice4LGBT را ایجاد کرده به دست بیاورد، اما موفق نشد.

63) آقای پارسی شهادت داد که وقتی کارشناس مورد تایید او به justice4LGBT نگاهی انداخت، او هم تایید کرد که در سال ۲۰۱۵ وبسایت عدالت برای دگرباشان از زیردامنه [irqr.]net پاک شده اما [ادعا کرد] به مدت دو سال او از این موضوع بی‌اطلاع بوده است.

64) آقای پارسی اذعان کرد که در مکالمه فیسبوکی با سمیرا (نجمه پر)، لینکی از justice4LGBT[.]com را برای وی فرستاده است. آقای پارسی شهادت داد که پیشتر با ایشان صحبت کرده بوده است. به‌علاوه، وی شهادت داد که قصد وی این نبوده که نجمه پر را متقاعد کند که محتوای وبسایت را باور کند، بلکه برعکس.

65) آقای پارسی شهادت داد که در سال ۲۰۱۷ با justice4LGBT مستقیماً تماس گرفته تا از خودش دفاع کند. ایشان سپس یک سری ایمیل دریافت کرده است. آقای وانلس [وکیل شادی امین] با ارائه این ایمیل‌ها مخالفت کرد، اما آقای آموزگار [وکیل ارشام پارسی] پذیرفت که ارائه این ایمیل‌ها به این معنی نیست که محتوای این ایمیل‌ها صحت دارد، بلکه تنها به این خاطر است که به آقای پارسی ارسال شده و او هم دریافت کرده.

66) یک ایمیل از justice4LGBT[at]gmail[.]com بود که خطاب به آقای پارسی نوشته شده بود. در بخشی از این نامه آمده است که "متأسفیم که این آدم‌های بد می‌خواهند رد این کار را بزنند که اصلاً با شما مرتبط نیست." این ایمیل به دادخواست توسط خانم امین اشاره دارد.

67) ایمیل دیگری در جولای ۲۰۱۷ از سوی آقای پارسی ارسال شده بود که در آن از justice4LGBT درخواست کرده که هویتشان را علنی کنند. ایمیلی که به عنوان جواب این ایمیل ارائه شده، از ارائه چینی اطلاعاتی خودداری کرده و ادعا می‌شود که از سوی دکتر عماد تابنده است.

68) آقای پارسی مجدداً با هدف درخواست کمک به دکتر تابنده نامه زد و پاسخی دریافت کرد بدون اینکه اطلاعات مربوط به هویت افراد در آن باشد.

69) ایمیل‌ها ادامه دارد. در یکی از این ایمیل‌ها دکتر تابنده ادعا می‌کند که مسئول استفاده از شرکت ارائه خدمات وبسایت سازمان دگرباشان ایرانی برای ایجاد سایت justice4LGBT است.

70) آقای پارسی همچنین ایمیل‌هایی را ارائه کرد که ادعا می‌کرد از سوی سایر افرادی که مسئول برخی از مقالات در این پرونده بوده‌اند دریافت کرده و برخی را هم از سوی افراد دیگر دریافت کرده است که مدعی فعالیت‌های سایبری از سوی نهادهای امنیتی در ایران منتسب می‌شد.

71) آقای پارسی برگه‌ای را ارائه و ادعا کرد که یک شهادت‌نامه رسمی از سوی فردی به نام شروین شفیع‌راد است که بنا به اظهارات وی از سوی دکتر تابنده برای وی ارسال شده بوده است. مجدداً، آقای وانلس با [ارائه اسنادی دال بر جعلی بودن این شهادت‌نامه]، با طرح آن مخالفت کرد، اما آقای آموزگار مجدداً تاکید کرد که چنین ادعایی ندارد که من باید به صحت محتوای این شهادت‌نامه اعتماد کنم. به ادعای موجود در این برگه، فردی که اظهارات داخل این بیانیه متعلق به اوست مسئول ایجاد وبسایت عدالت برای دگرباشان بود. به طور مشابه، اظهارنامه‌ای تحت نام ساناز زندی ارائه شد که ادعا می‌کرد وی مسئول عدالت برای دگرباشان است.

72) در حین استنطاق، آقای پارسی اذعان کرد که به عنوان مدیر اجرایی سازمان دگرباشان ایرانی، او مسئول هر آن چیزی است که در سازمان اتفاق می‌افتد از جمله این وبسایت. وی تایید کرد که حساب کاربری HostGator برای سازمان دگرباشان ایرانی را خودش ساخته و هزینه‌اش را هم خودش پرداخت کرده است.

73) آقای وانلس از آقای پارسی سوال کرد آیا قبول دارد که وبسایت عدالت برای دگرباشان به خانم امین حمله می‌کرده است یا خیر. آقای پارسی از جواب به این سوال طفره می‌رفت اما نهایتاً شهادت داد که تفسیر او از آن وبسایت این است که ابهامات جدی‌ای درباره خانم امین وجود داشته است.

74) آقای پارسی قبول دارد که وبسایت عدالت برای دگرباشان در ابتدا بر روی حساب کاربری HostGator وی ساخته شده است. آقای پارسی انکار کرد که هرگونه ارتباطی با وبسایت عدالت برای دگرباشان داشته است. آقای پارسی اینطور گفت که به اعتقاد وی یک نفر حساب کاربری هاستینگ او را هک کرده است.

75) آقای وانلس از آقای پارسی برای بیان دیدگاهش نسبت به خانم امین سؤال کرد. آقای پارسی اذعان کرد که در سال ۲۰۱۵ به خانم امین احترام می‌گذاشته تا اینکه او پستی درباره یک خوک منتشر کرد که باعث عصبانیت وی شد. آقای پارسی نمی‌پذیرد که در آن مطلب به او اشاره نشده است.

76) آقای پارسی قبول کرد که جامعه مهاجر ایرانی جهانی است و جامعه ال‌جی‌بی‌تی اغلب آن‌لاین است و اینکه آبروی آن‌لاین یک فرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

77) آقای پارسی نپذیرفت که هم‌فوق خطاب شدن لزوماً به اعتبار فرد صدمه می‌زند. وی قبول دارد که متهم شدن یک فرد به پولشویی [برای اعتبار وی] لطمه‌زننده است. وی قبول دارد که در تعامل با گروه‌های ال‌جی‌بی‌تی در ترکیه بحث

اعتماد بسیار مهم است و اینکه پناهندگان در ترکیه گروهی آسیب‌پذیر هستند.

78) آقای پارسی [ادعا کرد] اولین بار در ماه ژوئن ۲۰۱۵ از وبسایت عدالت برای دگرباشان آگاه شد و اولین مقاله‌ای که خواند مقاله تختخواب با روکش بنفش بوده است. او این مقاله را در فیسبوک به اشتراک گذاشت. او اعتقادی نداشت که این مقاله به فرد خاصی مرتبط است. او اعتقاد نداشت که این مقاله برای هیچ کسی صدمه‌آور باشد.

79) آقای پارسی قبول نکرد که مقالات بر روی وبسایت درباره شخص خاصی بوده است. او قبول کرد که از هیچ یک از مقالات دفاع نمی‌کند.

80) وقتی از آقای پارسی به اصرار سوال شد، وی نپذیرفت که مقاله "نامه دریافتی: شما هموفوب و ضد مرد هستید خانم امین" اتهام می‌زند که خانم امین هموفوب است. بلکه آقای پارسی اظهار نظر کرد که این مقاله درباره تنش درون جامعه ال‌جی‌بی‌تی بوده است.

81) آقای پارسی اصرار داشت که این مقالات بیان واقعیت نمی‌کنند بلکه ایجاد پرسش می‌کنند. به اعتقاد وی ناشناس بودن وبسایت مشکلی ندارد و این موضوع شخصا برای او مهم و آزردهنده نبوده است.

82) علیرغم آنکه وکیل آقای پارسی در صحبت‌های آغازین خود اعلام کرده بود که احتمالا از دفاع مبتنی بر توجیه و تایید مطالب مورد شکایت (defence of justification) استفاده کنند، پس از آنکه آقای وانلس آقای پارسی را در استنطاق تحت فشار گذاشت [آقای پارسی] گفت که نمی‌خواسته این کار را انجام دهد.

83) آقای وانلس آقای پارسی را با تکتک مقالات مورد بحث روبرو کرد اما آقای پارسی در هیچ یک از موارد نگفت که اعتقاد دارد ادعاهای مطروحه در مقالات حتی اگر درباره خانم امین بوده باشد، واقعیت داشته است. آقای پارسی از پاسخ به سوالات آقای وانلس درباره معنی مقالات متعدد مورد بحث به طور خاص طفره می‌رفت.

84) وقتی از آقای پارسی سوال شد که آیا امکان دارد که این وبسایت کار دولت ایران باشد، آقای پارسی شهادت داد که نمی‌داند اما آن را یکی از احتمالات دانست. آقای پارسی انکار کرد که در ماه ژوئن و جولای ۲۰۱۵ برای تبلیغ وبسایت عدالت برای دگرباشان justice4LGBT.com تلاش ویژه‌ای کرده یا اینکه از آن دفاع کرده است.

85) آقای پارسی اذعان کرد که دو بار لینک‌هایی از وبسایت را به اشتراک گذاشته است. او همچنین دو مقاله را در فیسبوک خود به اشتراک گذاشته است، مقاله تختخواب با روکش بنفش، و مقاله‌ای که خانم امین را هموفوب خطاب کرده است.

86) آقای پارسی انکار کرد که تماس او با سمیرا به طور خاص برای وبسایت بوده است. وی اذعان کرد که پس از گفتگو با او لینک را برای او ارسال کرده اما انکار کرد که قصد کسب اطلاعات و پرس‌وجو درباره خانم امین را داشته است. او اذعان کرد که نام خانم امین در مکالمه ذکر شده است.

87) آقای پارسی اذعان کرد که به‌خاطر مقاله‌ای که خانم همیلی در دفاع از خانم امین نوشته بود با خانم همیلی تماس گرفته است. وی در همان روزی که مقاله خانم همیلی را خواند با او تماس گرفت. آقای پارسی اظهار داشت که هدف او از این کار این بوده که ببیند آیا خانم همیلی برای اطمینان از صحت و سقم مطالب تلاش کافی صورت داده است یا خیر. آقای پارسی انکار کرد که پاسخ او درباره تجاوز بوده است. او اعتقاد دارد که مقاله تختخواب با روکش بنفش درباره تضاد منافع بوده است.

88) آقای پارسی به ارسال نامه به هیئت مدیره سازمان دگرباشان ایرانی [IRQR] اذعان کرد. وی در این نامه بیان می‌کند که او مطلع است که این وبسایت اطلاعات زیادی درباره خانم امین منتشر می‌کند. بعدتر [در همان نامه] ادعا می‌کند که افرادی با او تماس گرفته و خود را قربانی معرفی کرده‌اند، اما در ادامه استنطاق انکار کرد که منظور او قربانیان خانم امین بوده است.

89) آقای پارسی اذعان کرد که نامه تختخواب با روکش بنفش را پیش از انتشار بر روی وبسایت عدالت برای دگرباشان در حساب ایمیل خود داشته است. او این نامه را در ۱۸ می ۲۰۱۵ دریافت کرده است. او شهادت داد که این نامه را از یکی از همکارانش [مهناز قزلو] در سوئد دریافت کرده است که یک فعال حوزه ال‌جی‌بی‌تی است. وبسایت عدالت برای دگرباشان در ۲۱ می تاسیس شد و وی در ۲۳ می وی به نامه درباره تختخواب با روکش بنفش پاسخ داد و گفت مایل است نامه‌های بیشتری برایش بفرستند. در ۸ ژوئن ۲۰۱۵ همان نامه تختخواب با روکش بنفش در عدالت برای دگرباشان منتشر شد و در ۱۴ ژوئن آقای پارسی لینک آن را در فیسبوکش منتشر کرد.

90) آقای پارسی قبول دارد که یکی از مقالاتی که در عدالت برای دگرباشان منتشر شد همان مقاله‌ای بود که او در خودنویس منتشر کرده بود. این مقاله با عنوان "نامه پناهجو" شناخته می‌شود. او داشتن هر گونه کنترلی بر روی مطالب منتشره در خودنویس را انکار می‌کند و معتقد است که سمت [سر‌دبیری] افتخاری او نمادین بوده است. او انکار می‌کند که نامه پناهجو درباره خانم امین بوده است.

91) آقای پارسی هیچ تحقیقی در تایید راستی محتوای نامه پناهجو انجام نداده است. وی انکار کرد که این نامه درباره سازمان خاصی است.

92) آقای پارسی اصرار داشت که مطلبی که خانم امین با اشاره به خوک نوشته است درباره او بوده و لذا او به آن پاسخ داده است. او اذعان کرد که بعد از دیدن این پست خانم امین خشمیگن شده است. او انکار کرد که مطلب خود را با نیت مجرمانه نوشته است.

93) آقای پارسی اعتراف کرد که حساب HostGator خود را برای بررسی هرگونه فعالیت در ماه می ۲۰۱۵ چک نکرده بوده است. او قبول دارد که برای تنظیم یک جلسه با حضور تمام طرفین با HostGator تلاش‌هایی صورت گرفته بود تا مشخص شود که آیا عدالت برای دگرباشان به عنوان زیردامنه حساب کاربری او در می ۲۰۱۵ افزوده شده بود یا خیر، اما پس از مرور نامه‌نگاری‌هایی با وکیل خود، مخالفت خود را با انجام یک تماس [با شرکت ارائه کننده خدمات اینترنتی با مشارکت وکیل شاکی] اعلام کرد.

94) به ادعای آقای پارسی یک نفر حساب کاربری او را هک کرده است اما او این را به HostGator گزارش نکرده است. او هیچ مدرکی از HostGator دال بر اینکه حساب کاربری‌اش هک شده باشد ندارد.

95) آقای پارسی قبول دارد که شاکی نام سایر افرادی را که به حساب کاربری هاستینگ irqr[.]net دسترسی داشته‌اند درخواست کرده است. درخواست‌ها ناپایده گرفته شدند تا اینکه در جلسه حل اختلاف معاون قضایی توکاس دستور داد که متهم تمام اطلاعات مرتبط در خصوص افرادی که در راه‌اندازی و اداره مداوم وبسایت‌های irqr[.]net و arshamparsi[.]net و justic4LGBT[.]com دخیل هستند از جمله از طریق دسترسی به حساب ووردپرس و حساب‌های وب هاستینگ، ارائه کند.

96) از این دستور اطاعت نشد و من به‌عنوان یکی از شروط موکول کردن دادرسی به زمان دیگر دستور دادم که تا تاریخ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ مطابق با این دستور عمل شود.

97) آقای پارسی سوگندنامه‌ای با برخی اطلاعات ارائه کرد، اما بدون اسامی و اطلاعات تماس افرادی که در گرداندن وبسایت دخیل هستند. او گفت که این اطلاعات نامرتب است.

98) آقای پارسی قبول دارد که در مدارک اصلی گفته بود که هیئت مدیره به حساب کاربری دسترسی داشته‌اند اما این اطلاعات را تا زمان ارائه مدرک ارائه نکرده بود. او فرض کرده بود که شاکی خودش می‌داند.

99) آقای پارسی نامه‌ای از کسی دریافت کرده که ادعا می‌کند که او وبسایت را هک کرده است. او همچنین بلافاصله قبل از تاریخ اولیه دادگاه اسنادی از منابع ناشناس دریافت کرده است.

100) آقای پارسی قبول دارد که به حساب کاربری وب هاستینگ خود مراجعه نکرده تا ببینید که آیا هیچ مدرکی در حساب HostGator او وجود دارد که به اعتراف آن فرد ناشناس واقعتاً بیخشد یا خیر.

101) هیچ تلاشی برای اینکه افراد مربوطه در دادگاه شهادت دهند صورت نگرفت. آقای پارسی انکار کرد که او خودش این نامه‌ها را می‌نویسد یا اینکه افرادی را که دخیل هستند می‌شناسد.

102) در استنطاق رسمی مجدد آقای پارسی، به مکالمه با فردی اشاره شد که بعد از انتشار مقاله خودنویس به او زنگ زده است. او (مونث) از خانم امین شکایت کرده است. آقای پارسی ادعا کرد که از سایرین نیز شنیده است و به همین خاطر مقاله‌ی «ارباب را تمام کنید» را نوشته و منتشر کرده است. آقای پارسی خشم خود از خانم امین در این مقطع زمانی را انکار کرد اما گفت احساس می‌کرده است که بازخواست از پناهندگان ال‌جی‌بی‌تی توسط خانم امین، چنانچه در آن شکایات ادعا شده بود، کاری مخالف اصول حرفه‌ای است.

103) به فاصله کوتاهی پس از آن بود که خانم امین پستی در فیسبوک قرار داد و آقای پارسی را خوک خطاب کرد و [به ادعای آقای پارسی] به خانواده‌اش اهانت کرد. آقای پارسی اذعان کرد که پاسخ او [به این متن] هنوز در صفحه فیسبوکش بوده اما روز قبل از ارائه این شهادت آن را پاک کرده است.

104) آقای پارسی قبول دارد که مقاله‌اش درباره خانم امین بوده چون وی او را یک خوک خطاب کرده بود.

105) آقای پارسی تایید کرد که ویراستار خودنویس مسئول و صاحب‌اختیار انتشار و تایید محتوای منتشر شده بر روی آن وبسایت است.

106) آقای پارسی همچنین برخی مقالات بر روی عدالت برای دگرباشان را ذکر کرد که می‌گوید به خانم امین اشاره نمی‌کند.

107) در دفاعیات متهم، گزارش کارشناسی نوید محقق [کارشناس مورد اعتماد متهم] به‌عنوان مدرک به دادگاه ارائه شد. در این گزارش او تایید می‌کند که وبسایت justice4LGBT[.]com به عنوان زیردامنه irqr[.]net در تاریخ ۲۱ می ۲۰۱۵ ساخته شده است و برای مدتی در ماه می در این آدرس میزبانی می‌شده اما در اوایل ماه ژوئن ۲۰۱۵ منتقل شده است.

108) در دفاعیات متهم همچنین یک شهادت [کتابی] از طرف علی همدانی ارائه شد. وی در تولید مستندی در بی‌بی‌سی دخیل بود که هم خانم امین و هم آقای پارسی را نشان می‌داد. این مستند موضوع تغییر جنسیت در ایران را بررسی می‌کرد. شاهد [علی همدانی] ادعا می‌کند که پس از پخش این مستند خانم امین برای تخریب آقای پارسی کمپنی کینه‌جویانه به راه انداخت، خانم امین به بی‌بی‌سی شکایت کرد و بی‌بی‌سی تحقیقاتی را آغاز کرد، [او ادعا می‌کند] بی‌بی‌سی به این نتیجه رسید که شکایات پایه و اساسی ندارد.

قانون و نتیجه‌گیری‌های من

109) قانون بدیهی آن است که در یک پرونده افترا، شاکی باید با توازنی از ادله ثابت کند که:

(الف) بیاناتی که شاکی از آن شکایت دارد افترا می‌باشد.

(ب) این بیانات به شاکی اشاره دارد.

(پ) این بیانات به کسی غیر از خود شاکی، و در این پرونده خاص، توسط متهم ارائه شده‌اند.

110) با فرض اینکه این اجزا اثبات بشود، دروغ بودن ادعاها و خسارت مسلم می‌شود و سپس وظیفه متهم است که با توازن ادله، ثابت کند که در این پرونده خاص، در مورد موضوعی با منافع عمومی ارتباط مسئولانه برقرار کرده و

اظهار نظر منصفانه داشته است.

111) برای تعیین اینکه آیا این مطالب مورد شکایت، معنای افترا دارند یا خیر، این سوال مطرح است که آیا این مطالب در مفهوم عام ظرفیت افترا آمیز بودن را دارند یا خیر. این مطالب نباید حتماً توسط هر کسی که آن‌ها را می‌خواند یا می‌شنوند به صورت افترا درک و دریافت شوند. سوال این است که آیا یک فرد منطقی که این مطالب به دستش می‌رسد از آن‌ها برداشت افترا دارد یا نه.

112) در تعیین معنی مطالب حاوی اتهام، تمام وضعیت‌های ممکن در نظر گرفته می‌شود، از جمله:
(الف) هرگونه مفهوم یا دلالت معقولی که ممکن است آن سخنان در بر داشته باشند؛
(ب) بستری که در آن این سخنان یا بیانات استفاده شده است؛
(پ) مخاطبی که این سخنان یا بیانات برای آن‌ها منتشر شده است؛
(ت) شیوه و حالتی که این سخنان یا بیانات در آن ارائه شده‌اند.

113) معنای افترا آن است که به شکل زینباری به شهرت، اعتبار یا خوشنامی یک فرد لطمه بزند یا احترام وی را کاهش دهد.

114) با به کار بستن این معیارها، اعلام می‌کنم که مقاله "پژوهشگر بی‌بی‌سی" بی‌تردید افترا است و مشخصاً درباره خانم امین است. مقاله از خانم امین نام می‌برد و اتهام می‌زند که او اخیراً در رسوایی‌ها و پرونده‌های قضایی مرتبط با فساد مالی، پولشویی و موارد مستند شده از خشونت کلامی، فیزیکی و جنسی درگیر بوده است.

115) با به کار بستن این معیارها، اعلام می‌کنم که مقاله "شما هوموفوب و ضد مرد هستید خانم امین" بی‌تردید افترا است و مشخصاً درباره خانم امین است. مقاله از خانم امین نام می‌برد و اتهام می‌زند که او از مردها و بای‌سکشوال‌ها متنفر است، هوموفوب است و این دیدگاه‌ها را به صورت سلطه‌جویانه‌ای ترویج می‌کند و برای آنکه شهرت، ثروت و روابط جنسی به دست بیاورد درباره گرایش جنسی‌اش دروغ گفته است.

116) با به کار بستن این معیارها، اعلام می‌کنم که یک جمله در مقاله "گزارش دریافتی: ویکی پدیا را هم سانسور می‌کنید؟" بی‌تردید افترا است و درباره خانم امین است. این جمله در پاراگراف ۱۴ این حکم ذکر شده است. این جمله از خانم امین نام می‌برد و اتهام می‌زند که او خلاف‌های مالی و خلاف‌های دیگری را مخفی می‌کرده است.

117) با به کار بستن این معیارها، اعلام می‌کنم که ایمیل ارسالی به عفو بین‌الملل بی‌تردید افترا است و درباره خانم امین است. ایمیل خانم امین را با نام کاملش ذکر می‌کند و اتهام می‌زند که او در خلاف‌ها و سوءاستفاده‌های گسترده‌ای از جمله تجاوز، زورگویی و پولشویی نقش داشته است.

118) جدای از پیام‌های فیسبوکی (آقای پارسی) به خانم همیلی، تصمیم‌گیری درباره مقالات نامه پناهجو و تختخواب با روکش بنفش باقی می‌ماند. هیچکدام از این دو مقاله مستقیماً به خانم امین اشاره نمی‌کند. بنابراین من باید از یک آزمون حقوقی استفاده کنم تا مشخص شود آیا این سخنان به گونه‌ای هستند که فرد آشنا با شاکلی منطقی از خواندنشان فکر کند که مقاله درباره او است یا نه.

119) این آزمون به طور مفصل در حکم دادگاه تجدید نظر انتاریو موسوم به S. G. v. J. C. شرح داده شده است. دادگاه درباره متن پروفیسور براون درباره افترا چنین بیان می‌کند:

«لازم نیست که شاکلی با نام صحیح ذکر شناسایی شود، یا حتی اساساً نامش ذکر شود، اگر نشان داده شود که فهم معقول از این سخنان چنین است که این سخنان درباره شاکلی است. ممکن است در لافافه به صورت یک شخصیت فرضی یا تاریخی یا با یک بازی کلمات به او اشاره شود. ممکن است از سایر شواهد چنین بر بیاید که شخصی که این سخنان به او اشاره دارد این شخص است، اما شاکلی باید دادگاه را در این خصوص اقناع کند. این کار را می‌توان با ارائه شواهد، جدای از مطالب منتشر شده، انجام داد که شاکلی را به مطالب منتشره افترا آمیز متصل کند. سوال در چنین موردی اینجاست که آیا این سخنان به کار رفته به گونه‌ای هست که یک فرد معمولی و معقول، یا افراد معقول را که به محتوای ارتباطات توجه معقول معطوف می‌دارند، از آن چنین برداشت کنند که شاکلی همان کسی است که متهم به او اشاره کرده است. آزمون آنکه آیا سخنانی که مشخصاً از شاکلی نام نمی‌برد به او اشاره دارد یا خیر به قرار زیر است: آیا این سخنان به گونه‌ای است که چنانکه در شرایط معقول، افراد آشنا با شاکلی، با خواندنشان اینطور فکر کنند که شاکلی فردی است به او اشاره شده؟ این به آن معنا نیست که کسانی که آن مطالب را می‌خوانند از تمام شرایط با تمام واقعیت‌های مربوطه آگاه هستند. اما علیرغم اینکه شاکلی در این مطالب نام برده نشده، ممکن است به نحوی توصیف کنند که شناخته شود؛ و این مطالب چه در قالب کلمات باشند، یا تصویری از رد یا در قالب اشاره‌ای به گروهی از افرادی که فرد شاکلی عضوی از آن گروه تلقی می‌شود، چه در هر شکل دیگر، اگر این توصیف در شرایط به گونه‌ای باشد که فردی که افترا را می‌خواند یا می‌شنود به صورت منطقی چنین باور کند که به شاکلی اشاره شده

120) با به کار بستن این معیارها به نامه پناهجو، من متقاعد نشده‌ام که این مقاله به خانم امین اشاره دارد. این مقاله شکایتی طولانی است از اینکه چگونه با این پناهنده در دوران پناهجویی‌اش در ترکیه رفتار شده است. هرچند، با خوانشی منصفانه از مقاله، نویسنده درباره سازمان‌ها شکایت می‌کند و نه درباره یک فرد خاص. صحیح است که خانم امین عضوی از سازمان شش‌رنگ است و اینکه این سازمان در ترکیه فعال است و به پناهندگان از ایران یاری می‌رساند. این مقاله از «این سازمان‌ها و گردانندگان که مدام در تلویزیون‌های فارسی زبان خارج از کشور، به عنوان وکیل و فعال حقوق بشر، ظاهر می‌شدند» نام می‌برد. شاکی بیان می‌کند که «فعال حقوق بشر» اشاره‌ای به خانم امین است، اما همچنان نویسنده درباره سازمان شکایت می‌کند و نه فرد مذکور.

121) با توجه به نتیجه حاصل‌شده، نیازی نیست که درباره افترا بودن یا نبودن این مقاله تصمیم بگیریم. اما در صورتی که نتیجه من اشتباه هم باشد، محض بیان کامل نظرم، متقاعد نشده‌ام که این مقاله افترا به شخص خاصی است. نویسنده شدیداً از شیوه برخورد با او و سایر پناهندگان در ترکیه انتقاد می‌کند. به عنوان نمونه، وی می‌نویسد: «این تجربه تلخ، در همان ماه‌های نخست باعث شد تا تصمیم بگیرم در طول مدت اقامت در ترکیه، با هیچ گروهی تماس نگیرم».

122) با به کار بستن این معیارها درباره مقاله تختخواب با روکش بنفش، نتیجه می‌گیرم که این مقاله درباره خانم امین است، با وجود اینکه نام او ذکر نشده است.

123) این مقاله به فارسی نوشته شده و مخاطب آن جامعه‌ال‌جیبی‌تی ایرانی است. مقاله درباره یک زن فعال حقوق بشر برای ال‌جیبی‌تی‌ها است و خانم امین چنین فعالی است. این مطلب درباره زنی است که کم‌دین است و خانم امین شهادت داد که یکی از سرگرمی‌هایش استندآپ کمدی است. این مطلب درباره زنی است که اخیراً در تلویزیون بی‌بی‌سی صحبت کرده است. خانم امین به طور منظم در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به عنوان کارشناس و مفسر صحبت می‌کند. این مطلب به زنی اشاره می‌کند که خدمات مشاوره ارائه می‌دهد، و خانم امین نیز چنین خدماتی به جامعه‌ال‌جیبی‌تی ارائه می‌دهد.

124) من شهادت خانم همیلی را نیز شنیدم که علیرغم اینکه در ابتدا متوجه نشدند که مقاله درباره خانم امین است، اما نهایتاً به این نتیجه رسیدند و به همین خاطر مقاله‌ای در حمایت از خانم امین منتشر کردند.

125) با به کار بستن این معیارها که آیا این سخنان ظرفیت افترا بودن را دارند، نتیجه می‌گیرم که دقیقاً افترا هستند. نویسنده اتهام می‌زند که توسط خانم امین مورد تجاوز قرار گرفته و اینکه خانم امین مرتکب تجاوز روحی شده. مقاله همچنین می‌گوید که خانم امین از مراجعاتش برای روابط نزدیک و جنسی سوءاستفاده کرده و اینکه او از گی‌ها و بایسکشوال‌ها متنفر است. نهایتاً، مقاله اتهام می‌زند که خانم امین یک دوربین مخفی در اتاق خوابش کار گذاشته و از آن برای فیلمبرداری از افراد بازدیدکننده بدون آگاهی و کسب رضایتشان استفاده می‌کند.

126) حال به پیام‌های فیسبوکی بین آقای پارسی و خانم همیلی رسیدگی می‌کنم. بستر زمینه این پیام‌ها مهم است. خانم همیلی مقاله‌ای در دفاع از خانم امین منتشر کرده بود که آقای پارسی آن را اندکی پیش خوانده بود. در پیام اول آقای پارسی به خانم امین اشاره می‌کند. خانم همیلی پاسخ می‌دهد که او این مقاله را در دفاع از شان خانم امین و افتراهای بی‌نام و نشان نوشته است. آقای پارسی در بخشی از پاسخ خود می‌گوید که «نامه‌ها در رابطه با موارد تجاوز صحت دارد...» و بدینوسله تلویحاً گفته است که فرد متجاوز خانم امین است. بعدتر وی می‌گوید: «من از نامه تجاوز دفاع می‌کنم و در فیسبوکم آن را منتشر کرده‌ام» و با این حرف همان مطلب را دوباره تلویحاً بیان می‌کند.

127) بنابراین من این سخنان را در اشاره به خانم امین و افترا تشخیص می‌دهم که البته تنها برای خانم همیلی منتشر شده است.

128) پیش از پرداختن به این که آیا آقای پارسی مسئول انتشار است یا خیر، به دفاعیات ارائه شده در سومین نسخه اصلاح‌شده دفاع و به دفاعیات کتبی تسلیم‌شده از سوی متهم می‌پردازم. به طور خاص به موارد کتبی تسلیم‌شده می‌پردازم چرا که به نظر من می‌رسد که بسیار فراتر از آن چیزی است که در دفاع بیان شده است. هیچ کجا در

دفاعیه ذکر نشده است که مقالات بر روی وبسایت [justice4LGBT\[.\]com](http://justice4LGBT[.]com) یا ایمیل ارسالی به عفو بین‌الملل افترا یا تخریبی نبوده و با استدلال "اظهار نظر منصفانه" نیز از آن دفاع نشده است.

129) این لایحه دفاعیه مکرراً انکار می‌کند که آقای پارسی دخالتی در وبسایت افترا داشته یا اینکه نویسنده آن مقالات یا ایمیل بوده است. با این وجود، لایحه کتبی عملاً ۵۰ صفحه را به دفاع از محتوای مقالات و ایمیل‌ها پرداخته است. من این دفاع کتبی را که تسلیم دادگاه شده بررسی کرده‌ام اما هیچ اعتباری به آن نمی‌دهم چرا که دفاع با موضع مشخصی یا پاسخ مشخصی به ادعاها و اتهامات همراه نیست و ضمناً ادعاهایی در آن است از قبیل اینکه اتهام زدن به خانم امین نسبت به دست داشتن در تجاوز یا رسوایی مالی به اعتبار وی صدمه نمی‌زند؛ این ادعاها به وضوح مضحک است. دفاعیات تسلیم‌شده همچنین قصد دارد چنین ادعا کند که اتهامات مطرح‌شده بر اساس واقعیات هستند که این واقعیات در دادرسی ثابت نشدند.

130) تنها جایی که در دفاعیات متهم به اظهار نظر منصفانه و ارتباط مسئولانه به عنوان دفاعیه اشاره شده است، اعمال آقای پارسی است. با توجه به مقالات منتشر شده افتراآمیز، منظور از این اعمال پیام‌های فیسبوکی با خانم همیلی و باز نشر مقاله تخریب‌آمیز با روکش بنفش در صفحه فیسبوک می‌باشد.

131) معیارهای حقوقی دفاع اظهار نظر منصفانه به شرح زیر در پرونده *WIC Radio Ltd v. Simpson* مشخص شده است:

"الف) اظهار نظر باید در مورد موضوعی با منافع عمومی باشد؛ ب) اظهار نظر باید بر اساس واقعیات باشد؛ پ) اظهار نظر هر چند که می‌تواند شامل نتایجی از واقعیت باشد اما باید به عنوان اظهار نظر قابل تشخیص باشد؛ ت) اظهار نظر باید از آزمون عینی زیر عبور کند: آیا هر کسی بر اساس واقعیات تایید شده می‌تواند صادقانه این نظر را بدهد؛ ث) حتی اگر اظهار نظر آزمون عینی را پذیرفته شود، در صورتی که شکای ثابت کند که متهم با سوءنیت صریح شخصاً تحریک شده است، دفاعیه متهم شکست می‌خورد."

132) معیارهای حقوقی دفاع ارتباط مسئولانه در موضوعی با منافع عمومی در پرونده *Grant v. Torstar* به شرح زیر تعیین شده است:

"الف) مطلب منتشره در موضوعی با منافع عمومی باشد؛ ب) ناشر در تایید ادعاها با توجه به موارد زیر، کوشا باشد: ۱) جدی بودن اتهامات؛ ۲) اهمیت عمومی موضوع؛ ۳) اضطراری بودن موضوع؛ ۴) وضعیت و اعتبار منبع؛ ۵) اینکه آیا توضیحات شکی در این مورد خواسته شده و دقیقاً گزارش شده است؛ ۶) اینکه آیا شامل کردن این بیانیه افتراآمیز قابل توجیه است؛ ۷) اینکه آیا منفعت عمومی بیانیه افتراآمیز در حقیقت داشتن آن است یا در صرف اینکه مطرح شود؛ و ۸) سایر شرایط مرتبط."

133) قانون بدیهی آن است که دفاعیه اظهار نظر منصفانه تنها شامل "نظر" می‌شود و نه "بیان واقعیت". اگر متهم نتواند صحت واقعیت‌های پایه را در دادگاه ثابت کند، دفاعیه اظهار نظر منصفانه قابل استناد نیست. رجوع شود به پرونده *Awan v. Levant*.

134) آقای پارسی در پیام به خانم همیلی بیان می‌کند که "نامه‌های مربوط به موارد تجاوز صحت دارد". این یک بیان ناظر بر یک واقعه است نه اظهار نظر. به طور مشابه، در مقاله تخریب‌آمیز بنفش نویسنده این‌طور می‌نویسد که او "از گی‌ها بیزار و از بای‌سکسوال‌ها منزجر [بود]". نویسنده در ادامه می‌گوید: "او هر روز دارد به روان من تجاوز می‌کند. با خود فکر می‌کنم او تنها به حساب بانگیش فکر می‌کند و به لیست بلند بالایی که با آنها خوابیده است، می‌افزاید. از مردها بیزار است اما تمام رفتار و کلیشه‌هایش نقش‌های لومپن مابانه و مردانه را استفراغ می‌کند." این موارد نیز بیان ناظر بر واقعه است و نه بیان نظرات و بنابراین دفاعیه اظهار نظر منصفانه شامل این موارد نمی‌شود. هیچ مدرکی برای اثبات صحت این موارد به عنوان "واقعیت" ارائه نشده است.

135) دفاعیه ارتباط مسئولانه نیز در اینجا شکست می‌خورد چرا که هیچ‌کدام از دو مورد منتشر شده درباره مسئله‌ای با منافع عمومی نبوده و هیچ فوریت و اضطراری ضمیمه ادعاها نشده است.

136) تنها مسئله باقی‌مانده این است که آیا شکای وظیفه اثبات مسئولیت آقای پارسی در انتشار این مطالب را به انجام رسانده است یا خیر.

137) شکای در دفاع از موضع خود که آقای پارسی را بخشاً یا کاملاً مسئول انتشار مقالات در [justice4LGBT\[.\]com](http://justice4LGBT[.]com) و ایمیل [ارسالی به عفو بین‌الملل] می‌داند واقعیت‌های ذیل را ارائه کرده است.

1. زمانی که وبسایت justice4LGBT.com تاسیس شد بر روی حساب وب هاستینگ شخصی آقای پارسی که خود وی آن را خریداری کرده و مدیریت می‌کرده است میزبانی می‌شد.
2. آقای پارسی مدیر اجرایی و تنها کارمند IRQR است و بنابراین مسئول مدیریت کردن و به‌روزرسانی وبسایت irqr.net می‌باشد.
3. شهادت کارشناس این است که وبسایت justice4LGBT.com ابتدایاً و پیش از انتقال به حساب ناشناس دیگر، بر روی حساب وب هاستینگ آقای پارسی قرار گرفته بود. این وبسایت به عنوان زیردامنه وبسایت irqr.net ساخته شده بود. آقای جفتوویچ [کارشناس فن آوری اطلاعات که از سوی شادی امین مسئول بررسی پیشینه دیجیتال و زیرساخت وبسایت افترا بود] شهادت داد که بسیار محتمل است که وبسایت عدالت برای دگرباشان با استفاده از قالب وبسایت irqr.net ساخته شده و سپس تغییر یافته و هرکسی که آن وبسایت را ساخته به حساب وب هاستینگ و حساب ووردپرس irqr.net دسترسی داشته است.
4. در همان روزی که وبسایت justice4LGBT.com ساخته شد، آقای پارسی پست اینترنتی خودش را در حمله به خانم امین در مقاله "داستان چوب و گربه دزده" منتشر کرد.
5. آقای پارسی یک نسخه از مقاله منتشر شده بر روی justice4LGBT.com با عنوان "آن تختخواب با آن روکش بنفش و دیوارهای رنگی" را پیش از انتشار بر روی justice4LGBT.com در حساب ایمیل خود داشته است.
6. اولین مقاله‌ای که در justice4LGBT.com منتشر شد همان مقاله‌ای بود که در وبسایت خودنویس در زمان ویراستار مهمان بودن آقای پارسی منتشر شده بود.
7. آقای پارسی مقالاتی از وبسایت را همراه با اظهارنظری در فیسبوک خود منتشر می‌کرد که تلقین کند وبسایت معتبر است. وی سپس مقاله با عنوان "نامه دریافتی: شما هم موفوب و ضد مرد هستی خانم امین" را از justice4LGBT.com به اشتراک گذاشت.
8. وقتی آقای پارسی مقاله خانم همیلی در دفاع از خانم امین را خواند، بلافاصله در پیام‌های فیسبوکی به خانم همیلی از اتهامات علیه خانم امین دفاع کرد. نه تنها از این اتهامات علیه خانم امین دفاع کرد بلکه ادعا کرد که آن‌ها واقعیت دارند.
9. آقای پارسی پس از مدتی که با خانم نجمه پر در تماس نبود با او تماس گرفت تا او به وبسایت نگاه کند و درباره خانم امین صحبت کنند.
10. آقای پارسی می‌گوید که وقتی با ادعای شاکی روبرو شد آن را جدی نگرفت، حتی پس از آنکه اطلاع یافت که وبسایت [عدالت برای دگرباشان] در زیردامنه وبسایت irqr.net میزبانی شده است.
11. وی در ادعای مربوط به اینکه وبسایت عدالت برای دگرباشان ابتدایاً بر روی حساب وب هاستینگ او قرار داشته است، بیش از یک بررسی سرسری و سطحی صورت نداد. آقای پارسی برای اینکه ببیند آیا ادعای شاکی صحت دارد یا خیر تمام اطلاعات قابل دریافت از HostGator را جمع‌آوری نکرد.
12. آقای پارسی برای درخواست گزارش فعالیت حساب کاربری خود در ماه می ۲۰۱۵ با HostGator تماس گرفت. وی همچنین اطلاعات در دسترس بر روی حساب HostGator خود در رابطه با فعالیت ماه می ۲۰۱۵ را دانلود نکرد.
13. آقای پارسی فعالانه تلاش کرد که مانع آن شود که شاکی مدرکی دال بر اینکه وبسایت در ابتدا بر روی حساب وب هاستینگ آقای پارسی بنا شده بود به دست آورد. برای پاسخ قطعی به این سوال یک پیشنهاد ساده پیشنهاد شد که جلسه با حضور تمام طرفین [با هاستینگ] بود، و علیرغم اینکه آقای پارسی در ابتدا با آن پیشنهاد موافقت کرده بود سپس شروطی تعیین کرد، تاریخ‌های تعیین‌شده را کنسل کرد و نهایتاً از موافقت اولیه خود پشیمان شد.
14. زمانی که مشخص شد که شهادت کارشناس نشان می‌دهد که وبسایت مذکور با حساب وب هاستینگ آقای پارسی ارتباط دارد، وی ادعا کرد که حساب کاربری‌اش باید توسط افراد ناشناسی هک شده باشد. آقای پارسی برای گردآوری مدارک مرتبط از HostGator که می‌توانست به دادگاه ثابت کند که ادعای هک شدن واقعیت دارد هیچ تلاشی انجام نداد.
15. آقای پارسی هیچ تلاشی برای گرفتن گزارش فعالیت از HostGator که ممکن بود آشکار کند که چه کسی به حساب وب هاستینگ او در ماه می دسترسی داشته یا تلاش کرده دسترسی پیدا کند صورت نداد.
16. آقای پارسی از پاسخ به این سوال که به غیر از او چه کسی به حساب وب هاستینگ او دسترسی داشته است خودداری کرد. وکیل شاکی مکرراً از آقای پارسی خواست که این اطلاعات را ارائه دهد، و آقای پارسی با وجود آنکه دادگاه نیز در دو مورد دستوری بر این مبنی صادر کرد باز هم اطلاعات خواسته‌شده را ارائه نداد.

17. نهایتاً آقای پارسی اعلام کرد که سه نفر دیگر به حساب وب هاستینگ او دسترسی داشته‌اند اما اسامی این افراد را ارائه نکرد.
18. برای اولین بار در طول دادرسی، آقای پارسی تایید کرد که اعضای از هیئت مدیره IRQR [سازمان دگرباشان] به حساب وب هاستینگ او دسترسی داشته‌اند بدون اینکه نام آن‌ها را ذکر کند.
19. علیرغم دریافت ایمیل‌هایی از افرادی که ادعا می‌کردند مسئول وبسایت justice4LGBT[.]com هستند، هیچ مدرک قابل‌قبول و محکم‌پسندی در دادگاه از سوی آنان ارائه نشد.
- 138) آقای پارسی چنین به دادگاه بیان می‌کند که خانم امین وظیفه خود را در اثبات موضوع انجام نداده است. وی بیان می‌کند که تمام مقالات تحریری زمانی بعد از آنکه وبسایت از سرور آقای پارسی جابجا شده بود در وبسایت منتشر شده‌اند. آقای پارسی بیان می‌کند که اینکه با دوستان خانم امین و سایر کسانی که خانم امین را در جریان می‌گذارند تماس بگیرد، با تلاش‌هایش برای پنهان کردن هویتش در تضاد می‌بود.
- 139) آقای پارسی به تلاش‌های خود برای دریافت دستور قضایی [Norwich order] با هدف سعی در شناسایی هویت افراد مسئول برای وبسایت اشاره می‌کند، اما خانم امین حاضر به همکاری در این زمینه نشد.
- 140) آقای پارسی پس از دریافت گزارش کارشناسی شاکی، کارشناس خودش را به کار گرفت که [تنها] یافته‌های کارشناس شاکی را تصدیق کرد.
- 141) در ۲۱ می ۲۰۱۵، روزی که وبسایت ثبت شد، آقای پارسی به دنبال اتحاد و همکاری با خانم امین برای پل زدن [بر اختلافات] بود و برای تیریک به مناسبت انتشار کتابش پیامی برای وی فرستاد.
- 142) آقای پارسی به دادگاه بیان می‌کند که وی تنها برای پاسخ دادن به حمله شخصی خانم امین به آقای پارسی در مقاله‌اش بود که مقاله "داستان چوب و گریه دزده" را منتشر کرد. به فاصله کوتاهی پس از انتشار این مقاله، وی آن را پاک کرد اما فراموش کرده بود که همچنان در صفحه فیسبوکش هست و زمانی که این نکته به وی نشان داده شد آن را از فیسبوکش پاک کرد.
- 143) آقای پارسی به دادگاه بیان می‌کند که وی تمام گام‌های منطقی برای شناسایی افراد مسئول برای وبسایت را برداشته است. گزارش کارشناس شاکی تا جولای ۲۰۱۷ ارائه نشده بود و تا زمانی که وی آن گزارش را نخوانده بود هیچ دلیلی برای باور به هرگونه ارتباط بین خودش، سازمانش با افراد مسئول ایجاد وبسایت وجود نداشت.
- 144) آقای پارسی نمی‌خواهد نام داوطلبانی را که با سازمان او فعالیت می‌کنند ارائه کند، بر این اساس که وی قول داده است که هویتشان را محرمانه نگه دارد، بویژه که آنان افراد آسیب‌پذیری هستند که بسیاری از آنان هنوز در ایران زندگی می‌کنند یا اعضای خانواده‌شان در ایران هستند.
- 145) آقای پارسی تلاش‌هایش برای تماس با HostGator در طول تحقیقات از جمله یک تماس ضبط‌شده را نشان داد.
- 146) آقای پارسی [ادعا می‌کند] تعدادی ایمیل دریافت کرده است از افرادی که مسئولیت ساخت وبسایت را به عهده گرفته‌اند.
- 147) این واقعیت که آقای پارسی به نسخه‌هایی از مقالات پیش از انتشار بر روی وبسایت دسترسی داشته است، ناشی از این بوده که وی سردبیر مهمان سایت خودنویس بوده و افراد برای انتشار احتمالی به وی مقالاتی ارسال می‌کردند.
- 148) در توازن ادله، من متقاعد شده‌ام که آقای پارسی در ساخت وبسایت و انتشار مقالات بر روی justice4LGBT[.]com و برای ایمیل ارسالی [به عفو بین‌الملل] دست داشته است. من با دلایل متعددی که از سوی شاکی در بالا ارائه کرده است به این نتیجه رسیده‌ام. متقاعدکننده‌ترین دلیل به قرار زیر است. این برای آقای پارسی آسان‌ترین کار می‌بود که از HostGator اطلاعاتی را طلب کند که نشان بدهد چه کسی تحت وبسایتی که مالکیت آن با آقای پارسی است و هزینه‌هایش را هم پرداخت کرده بود زیردانه مربوطه را ساخته است. بجای این کار، وقتی آقای پارسی با مدارکی روبرو شد که نشان می‌داد وبسایت افترا زیردانه وبسایت وی بوده است، ادعا کرد که حساب کاربری‌اش باید هک شده باشد، اما

مجدداً هیچ تلاشی برای درخواست مدرک یا اطلاعاتی از HostGator که این ادعا را ثابت کند انجام نداد.

149) به جای این کار، آقای پارسی درخواستی را نشان داد که مربوط به دستور قضایی [Norwich order] بود که خودش هم دانست یا باید می‌دانست که هیچ تأثیری در خارج از انتاریو ندارد. سپس در تلاش برای تیرئه کردن خود اطلاعاتی از منابع ناشناس ارائه کرد اما این اطلاعات را به نحوی ارائه کرد که تصدیق آن به صورت مستقل غیرممکن بود.

150) دلیل دوم برای مسئول دانستن آقای پارسی، شیوه ناسالم و عدم صراحت و صداقت وی در هنگام شهادت درباره مقالات تخریبی علیه خانم امین است. من به ذکر یک مثال بسنده می‌کنم. در مورد مقاله با عنوان “نامه دریافتی: شما هموفوب و ضد مرد هستیید خانم امین”، آقای پارسی شهادت دادند که مقاله در حقیقت درباره تنش میان گروه‌های مختلف در جامعه ال‌جی‌بی‌تی است و به خانم امین حمله نمی‌کند. در حالی تیتز مقاله دقیقاً به خانم امین حمله می‌کند.

151) این موضع سپس با دفاع کردن از مقالات متعدد در دفاعیات نهایی تسلیم‌شده به دادگاه از سوی متهم افترا تشدید می‌شود.

152) بنابراین من آقای پارسی را مسئول مقالات تخریبی و افتراآمیز منتشره در وبسایت justice4LGBT[.]com و ایمیل‌رسانی به عفو بین‌الملل می‌دانم. من او را مسئول نامه پناهجو منتشر شده در وبسایت خودنویس نمی‌دانم، چرا که به اعتقاد من این مقاله به خانم امین اشاره نمی‌کند. آقای پارسی همچنین مسئول ارسال پیام‌های ایمیلی به خانم همیلی است اما انتشار آن‌ها فقط خطاب به خانم همیلی بوده است.

153) مسئله نهایی تعیین خسارت است. میزان خسارت در یک پرونده افترا از پیش معین نشده است. اصولی که دادگاه را در ارزیابی خسارت راهنمایی می‌کند در پرونده *Minar Mar Group v. Divine* شرح داده شده است [...].

154) با استناد به دادگاه تجدیدنظری که اخیراً در پرونده *Rutman v. Rabinowitz* برگزار شد، آثار به‌شدت مخرب افترا بر روی اینترنت، یا افترای سایبری، در زمینه تعیین خسارت آن را از افترا در سایر رسانه‌ها تمایز می‌دهد. ارائه تحلیلی از خسارت‌های وارد آمده بوسیله این کمپین گسترده افترای اینترنتی باید با توجه به ذات منحصر بفرد و تا حدی حیل‌گرانه‌ی افترای اینترنتی ارزیابی شود. این نکته را نیز باید در نظر داشت که بیانات حاوی افترا در اینترنت به طور آنی در اختیار تعداد بی‌شماری از مخاطبان قرار گرفته‌اند.

155) بالاترین مبلغ خسارت عمومی برای افترا مبلغ ۲۵ هزار دلار است، بنابراین به نظر من نیازی نیست که به ادعای خسارت در سایر موارد بپردازم. شاکی هر چند مقیم آلمان است، ولی در جامعه ال‌جی‌بی‌تی در سطح بین‌المللی شناخته شده است. مطالب افتراآمیز، وی را متهم به تجاوز، پولشویی، و جرائم جدی دیگر می‌کنند. مطالب افتراآمیز، در اینترنت منتشر شدند و هیچ‌گونه اظهار پشیمانی و یا عذرخواهی نشده است. به نظر می‌آید انگیزه متهم خشم‌اش به شاکی بوده است. به این دلایل، من معتقدم حداکثر خسارت میزان مناسبی است.

156) بنابراین، حکم دادگاه به نفع شاکی این است که متهم مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار بعلاوه سود و هزینه دادرسی را به شاکی پرداخت کند [...].

امضا – قاضی کریستوفر اشبی

۱۷ آوریل ۲۰۱۸

English: <http://6rang.org/english/wp-content/uploads/2018/04/2018-04-23-Division.pdf>